



سخی صمیم

قسمت سوم

با احکام قانون مدنی در ایجاد خانواده و عقد ازدواج آشنا شوید

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود

قسمت سوم

من در نیشته های قبلی بطور مختصر و کوتاه مطالب و سخنانی در ارتباط به نامزدی و ازدواج عرضه نمودم که خدا کند طرف استفاده قرار گرفته و منفعت ذهنی در قبال داشته باشد. اکنون برویت ترتیب متن و فصل و باب قانون مدنی و هدایات احکام مندرج به آن بجائی رسیده ایم که بایست از آثار ازدواج سخن گوئیم و مَلْکَه ی ازان در مغز و دماغ یابیم. توفیق میخوام: ***

آثار ازدواج

احکامیکه در آغازین این بحث باید به آن پرداخت :

هر عقدیکه با شرایط قانونی انجام می یابد آثار مختص بخود را داشته و نکاح قانونی نیز با صحت و نفاذ خود آثاری در قبال دارد که آن را آثار ازدواج نامند و این آثار حاوی فروع و یا ابعاد مختلفی است که شرح و بسط آن در چنین نیشته ها امکان پذیر نیست. ولی من برای ایفاء تعهد خویش از هر کدام این فروع بمنظور ایجاد یک مَلْکَه ی برای خوانندگان و علاقه مندان محترم طور مؤجز و مختصر آنچه توانم تجویز کند می نویسم و درین راه خستگی را نمیپذیرم. زمانیکه نکاح بطور صحیح و بر مبنای هدایت قانون انجام و نافذ میگردد آثاری بوجود می آورد که آن را آثار ازدواج خوانند و رعایتش واجب و عملش قانونیست. آثار مرتبه ازدواج را می توانیم چنین بر جسته سازیم:

نَفَقَه زوجه (به اندازه مایحتاج ضروری و لازمه زندگی) حقوق میراث ثبوت نسب حرمت مصاهره (مصاهره مأخوذ از صهر به معنای قرابت و نیز به معنای داماد « شوهر دختر و شوهر خواهر» که بعد از موجودیت داماد در خانواده ها ایجاد میشود - نویسنده) و یا بطور خلاصه آن را دامادی و به دامادی پیوستن را گویند. پس: مصاهره علاقه ای است که به سبب عقد بین زوجین و جمعی دیگر حادث گردیده و موجب حرمت میشود - ویکی پدیا) به گونه مثال حرمت ازدواج با مادر زوجه و.....) به نص حکم قانون توجه فرمائید:

ماده ۹۰ ق م

بر نکاح صحیح و نافذ تمام آثار آن از قبیل نفقه زوجه حقوق میراث ثبوت نسب و حرمت مصاهره مرتب میگردد.

همانطوریکه قانون مدنی در ترتیب هدایات و احکام خویش بسا از موضوعات و مسایل ضروری و مورد نیاز را پیاپی و سلسله وار تذکر داده است منجم با استفاده از این طریقه خواستم در دنباله بحث آثار ازدواج بعضی از مسایلی را که آشد علاقه به فهم آن احساس میشود ذکر کنم:

معلومات بسیار مؤجز در ارتباط به ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان و عکس آن

در محدوده جغرافیای وطن ما در پهلوی قوانین کیفری و جزائی - قانون مدنی کشور که چرخ نظام حقوقی کشور را می چرخاند همه تعاملات بین افراد جامعه خرید و فروش ملکیت های منقول و غیر منقول منازعات و دعاوی حقوقی حقوق فامیل تنظیم امور خانواده و حل اختلافات و کشیدگی های فامیلی و کلیه امور و منازعاتیکه منشأ حقوقی دارد تحت احکام قانون مدنی حل و فصل و مدیریت میشود قانون مدنی میهن با همه ویژگی های مختص بخود و منابع مأخوذش که متبارز از احکام شریعت اسلام قواعد فقهی و عرف پسندیده جامعه سنتی قبلی و فعلی است پاسخگوی ضروریات و خواسته های افراد همین جامعه ایست که آن را خود تدوین و به وجود آورده اند - مطلب عنوان شده بالا هم که در سلسله سبک و سیاق این نبشته ردیف می خورد از جمله احکام همین قانون است.

ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان مجاز نبوده و مرد مسلمان می تواند با زن اهل کتاب ازدواج نماید.

چون در مطلب فعلی محور و مرکز سخن «اهل کتاب» است لازم میدانم برای روشنی و درک هر چه بیشتر موضوع (اهل کتاب) را بشناسیم و به تعقیب آن به اصل بحث بپردازیم:

اهل کتاب از دید فرهنگ عمید (یهود و نصاری و زرتشتیان که دارای کتاب مذهبی هستند) و از زبان ویکی پدیا (عبارتی است در قرآن و منظور از آن کسانی است که به یکی از ادیان یهود مسیحیت زرتشتی و صابئین باور دارند) (سوره حج آیه ۱۷). اصل این واژه بر گرفته از واژه عبری به معنی «امت کتاب» که یهودیان به خود اطلاق می کرده اند. اهل دین حنیف ابراهیم و یهودیت از موسی و مسیحیت از عیسی. سایر پیامبران اهل کتاب مروجان پیامبران اولوالعزم اند).

قانون مدنی حکم می کند:

ماده ۹۲

(۱) ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل است. مرد مسلمان می تواند با زن اهل کتاب ازدواج نماید.

(۲) ازدواج زن اهل کتاب توسط ولی کتابی وی بحضور دونفر شاهد اهل کتاب صورت گرفته می تواند.

در موارد مندرج این ماده اولاد تابع دین پدر شناخته میشود.

«۱» عقد باطل آنست که اصلاً و وصفاً غیر مشروع باشد.

دوام دارد

سخی صمیم

قسمت اول

با احکام قانون مدنی در ایجاد خانواده و عقد ازدواج آشنا شوید

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود

در بحبوحه افتخار آفرینی های جوانان افغان در اروپا اینبار جوان هموطنم سانگه جان صدیقی شریفی رایت میهنش را به اهتزاز درآورد و نام آور عزت به سرزمین خود گردید.

سانگه جان با سرفرازی آموزه های تعیین شده دانشگاه حقوق کشور شاهی هلند را به سررسانید و حال با یک شهامت بینظیر قصد دارد بخشی نظام حقوقی این کشور بویژه بخش احوال شخصیه آن را با قانون مدنی افغانستان (بزرگترین) قانون وطن مقایسه و پژوهش نماید من درین امر سترگ برایش موفقیت میخوام.

مدتی قبل من با حرمت گذاری به طلب وخواست این جوان پُر تلاش تعهد سپردم که: به اندازه توان نا توان خویش در ارتباط به بعضی از احکام مواد قانون مدنی که اصل موضوع و محتوای پُرسش را نشانی میکند و از داشته های نصوص قانون مذکور بحساب می آید بطور موجز و مختصر بنویسم - و در ادامه این تعهد خاطر نشان ساختم که من به آن پُرسشهاییکه چرخش به «چرا های» چون عادلانه بودن و یا نبودن متن و محتوای قانون و یا چگونگی عدالت زا بودن منابع آن خود را مکلف نمیدانم. و یا به سوالات همگون با این مطالب که جواب آن از صلاحیت من فراتر و از فهم من بالاتر باشد خود را متعهد نمی شمارم.

اما میتوانم این مشوره را تقدیم دوستان نمایم که در صورت داشتن و یا طرح چنین سوالها به مراکز پژوهشهای اسلامی و مسایل شرعی در داخل و خارج وطن مراجعه و پاسخ پُرسشها را دریافت نمایند.

بهر صورت من کنون برای ایفاء و عده قبلی خویش به اندازه یاری ذهن و توانم می نویسم: و در آغازین این بحث

به منظور ورود و فهم احکام قوانین مراتب آتی را واجب الرعايت می دانم:

دوستان محترم گمان مبرید که من با پذیرش حالت دُگم در دفاع از قوانین نافذ کشورم برآمده و از دار و ندار و از کمی و کاستی ها و یا کمبود و نواقص آن دفاع مینمایم و آن را مُنزل آسمانی شمرده قابل تغییر نمیشمارم.

من عقیده دارم قوانین مکتوب با در نظر داشت شرایط و تحولات زمان و مکان و خواست و پذیرش جامعه تحت سلطه قانون قابل باز بینی و تعدیل بوده میتواند. چون قانون من حیث یک قرار داد اجتماعی با رژیم ها و حکومتات بر سر اقتدار از طرف جامعه در ادوار و زمان مختلف تدوین و تسجیل میشود پس بطور اساسی خواست اکثریت افراد جامعه پایه گذار این قرار داد است. و این قوانین که ظاهرن به منظور حفظ نظام کیفری و مدنی (حفظ حقوق افراد جامعه) ادای وجایب زودن ظلم و استبداد ایجاد و حفظ امنیت از طریق تطبیق احکام آن «حاکمیت قانون» و بالاخیره تأمین عدالت اجتماعی ایجاد شده است) محتوا و دار و ندار و منابع آن مربوط همان جامعه است که آن را بوجود آورده و با همان کم و کیف پذیرفته اند.

زمانیکه در تحولات اجتماع و خواست و ضرورت جامعه کمبود و نواقص قوانین احساس - و ادارات حفظ و حراست قانون و حقوق آن را درک نمایند. قوانین جدید تدوین و تسجیل و یا هم قوانین نافذ تعدیل و تکمیل میگردد این مأمول و ضرورت زمانی بر آورده میشود که مراجع باز پُرس و عدالتخواه در جغرافیای تحت نفوذ و سلطه قانون موجود باشد همانطوریکه در بالا اشاره نمودم این نکته را نباید فراموش کنیم که:

قوانین در نتیجه یک قرارداد اجتماعی بین رژیم ها و حکومتات وقت و زمان تسوید و تسجیل میشود و محتوا و داشته های قوانین استوار بر تقاضا و پذیرش جامعه و ناشی از هضم و ظرفیت اجتماع است که برای حفظ نظام حقوقی و مدنی کشور و پاسداری

از حریم جامعه و امنیت افراد آن بوجود می آید بر همین بنیاد بخش نظام کیفری در خصلت خویش ضامن امنیت و ثبات جامعه و از دید جامعه برای عدالت «وقت» کافی شمرده میشود.

ولی اصل عمده و اساسیکه هر فرد چیز فهم بایست به آن توجه کند تطبیق احکام قانون است.

قابل انکار نیست که قوانین نافذ بدون تطبیق و اجرا کاغذ پاره بیش نیست اما با اجرائی شدن احکام خویش سعادت و خوشبختی ای بار می آرد که جامعه توقع آنرا دارد.

مدلل بر آنچه نوشتیم من قاطعانه باور و ایمان دارم که بسا از رژیم ها و حاکمیت های گذشته و موجود در زمان سلطه و اقتدار خود ها قوانین و مصادری طرح و تسجیل نموده اند که حافظ منافع و قدرت و حاکمیت خود آن ها بوده و خود مافوق قانون قرار داشته اند. و یا قوانین نافذ و موجود را با همه دارو ندار آن چنان ملعبه دست و زبان ساخته اند که گویا در مملکت و جامعه اصلن قانونی وجود نداشته باشد. شما یکبار بر حال وطن تمکین کنید و از حاکمیت قانون بپرسید؟.

بلی: اصول زشتیکه درین اواخر عریان و هویدا' مشهود و محسوس و با بیشرمی و دیده درائی بی پیشینه درمیهن ما برای اغواء و فریب مردم بکار برده میشود' لفاظی ها از رعایت احکام قانون آنهم از زبان حلقه های صاحب اقتدار است که بیشرمانه تکرار و زمزمه میگردد در حالیکه مردم می فهمند که قانون با احکام خویش دفن خاک و نامش مسخره زبان اهل قدرت شده است («از قانون جنگل استقبال نکنید» «قانونیت شرط تکوین عدالت است» و دیگر مقالاتم که بر مدار قانون و حاکمیت آن می چرخد - با عناوین ذکر شده و عناوین مختلف دیگر در برگه «موضوعات جالب حقوقی و قانونی» قابل ملاحظه است).

درمیهن بلا کشیده ما اعمالیکه در مطابقت به هدایات احکام قانون توأم با نیت و مرام منفعت رسانی به جامعه وسیله سردمداران قدرت پیاده شده باشد محسوس و مشهود نیست' بهتر خواهد بود با یک جمله کوتاه این بی بند و باری را چنین خلاصه نمائیم: «قانونیت در وطن رخت بسته است». بیتردید اهل خرد فهمیده اند که صرف بازی با نام قانون وسیله خاک زدن بر چشم مردم و تخدیر اذهان عامه در آن سرزمین شده است در حالیکه هیچ عملی در چوکات قانون انجام نمیشود ولی قانون وسیله مداری گری برای فریب مردم میگردد. به همه حال:

جان مطلب این است که در چنین حالت وجود قوانین نفی نمیشود - قانون به پیمانۀ ضرورت و کافی وجود دارد ولی گره کور مشکل تطبیق و رعایت احکام قانون است.

اکنون با توجه به محتوای آنچه عرضه شد من معتقدم قوانین نافذ را برای درک بهتر و فهم ضروری - با رعایت دقیق نکات زیر مطالعه و بر او امر آن پی بریم' و اگر فراتر از آن در سلامت فهم و درک قانون به اشتباه رفته و در تطبیق و اجرای آن تخلفات عمدی و استفاده های سو صورت گرفته و یا میگیرد قانون را مقصر نشماریم

من میخواهم با ذکر عناوین زیر درین راستا ذکر مختصری نمایم که قوانین با رعایت این شرایط بایست بکار گرفته شود:

- ۱ - در ابتدا از مفاهیم و معانی احکام قوانین مورد نظر درک و فهم کامل داشته باشیم.
- ۲ - عدم دسترسی و درک تخصصی از احکام قانون دلیل کمبود و نواقص آن نیست.

۳ - اگر قوانین حاوی کمبود و نقصان است «طور قانونی» می تواند قابل تعدیل و اصلاح باشد. و این نواقص و یا کمبود می تواند از مجرای مجاز و قانونی آن مرفوع گردد.

۴ - حاکمیت قانون و قانونیت بر مبنای همان قرارداد قبول شده اجتماعی میتواند حافظ منافع افراد جامعه و تأمین کننده عدالت نسبی گردد. اما عدم رعایت احکام قانون و تخلف از احکام آن نواقص و کمبود قانون شمرده نمیشود.

۵ - در ادوار و ازمنه مختلف قوانین و مصادری وجود داشته است که رژیم ها، امرا و سلاطین و قدرت های مختلف برای حفظ اقتدار و بقای قدرت خود ها آن را وسیله قرار داده و مورد استفاده قرار داده اند. اما قوانین موجود در تطابق با شرایط و جو حاکم جامعه قابل دید است.

۶ - بحث چگونگی درون مایه قوانین فعلی و منابع آن که حاوی عدالت اجتماعی است و یا خیر؟ در حوصله و ظرفیت این بحث نیست علاقه مندان می توانند با تماسهای بخصوص با مراجع ذیربط پاسخ لازم دریافت کنند. چون چرخش بحث ما قوانین مسجل و نافذ کشور است سخنان ما هم بر همین محور می چرخد.

۷ - من نمیتوانم داشته ها و محتوای همه قوانین سابق و حاضر را عاری از تأمین عدالت پندارم و آنها را عاری از داد و عدل به شمار آرم - چون اصل عدالت بر اساس نسبییت و یا عدالت نسبی استوار است بوده و هست قوانینی که حاوی این اصل زرین می باشد.

و اینک بر همین بنیاد داشته های بعضی از احکام قانون مدنی را که بر پُرسشهای دوستانم ارتباط دارد به اندازه تجویز ذهن و فهم خود بازگو می نمایم. و اگر تقصیری داشتم عذرم خواسته باشد.

.....
چون روح و جوهر مطالب ما در ارتباط به پُرسشهای مطروحه در حقیقت عقد ازدواج، تشکیل فامیل و اثرات مثبت و منفی آن در محدوده احکام قوانین است. لازمه خود دانستم آغازم همین باشد که گفتم ولی بسیار کوتاه و مختصر.

حکمت و مشروعیت ازدواج:

عقد ازدواج های قانونی که بر اساس یک رابطه عاطفی و حقوقی بر مبنای خواست و رضائیت جانبین و به دور از اکراه و جبر ایجاد میشود در حقیقت اساسگذار نهاد یک فامیل نو در جوار خانواده های جوامع بشریست.

همانطوریکه قانون در عقد ازدواج حقوق جانبین این پیمان و پیوند را اساسگذاری می نماید به مکلفیت های جانبین این نهاد جدید تأکید می ورزد و ازدواج را تبارز دهنده حقوق و مکلفیت های زوج و زوجه می شمارد ازدواج در حقیقت ایجاد کننده وجایب الزامی به هر دو طرف عقد است اگر شوهر حقوقی برای خود قایل است زن هم از حقوق قانونی خویش به هیچ صورتی محروم نمیگردد.

می بینیم تشکیل یک زندگی مشترک و فامیل جدید که بر اساس رضائیت جانبین عقد بوجود می آید استوار بر انگیزه ها و عطوفت انسانی و معاشرت زنا شوهری در خانواده است که با یک رابطه عاطفی و حقوقی بوجود آمده و منتج به توالد و تناسل و تکثر اعضای خانواده میگردد. که چنین پی آمدی طبعی اثر ازدواج و تداوم نسل بشر خوانده میشود.

بر همین بنیاد حکمت در ازدواج بقای نسل بشر و تداوم زندگی انسانها بر پایه خرد ورزی در راه یک نظام خوب بشری و برخوردار از نظام امن و سلامت است.

عقد ازدواج و تشکیل فامیل از دید قانون و ادیان و مذاهب مختلف با ابعاد گوناگون در سرتاسر کره زمین و جوامع بشری از تعاملات مجاز بوده که بعد قانونی آن زیاد تر اهمیت بسزائی دارد و بسا که ابعاد دینی و مذهبی آن با توأمیت خاص با نظام قانونی در ممالک اسلامی مورد توجه قرار داشته و عقد نکاح را با رعایت همین ابعاد به رسمیت می شناسند.

قانون مدنی افغانستان با رعایت دقیق احکام اسلامی و حرمت گذاری به روح و سنت جامعه نهاد تشکیل فامیل را از آوان نامزدی تا عقد ازدواج و اثرات بعدی آن از قبیل وجود نسل و نسب و اولاد و یا نا ملایمات بعدی عقد چون تفریق و طلاق و غیره با هدایت قانونی و حفظ نظام حقوقی تصریح نموده رعایت آن را وجبیه افراد جامعه می پندارد. مدلل بر

بر آنچه عرض کردم' بهتر میدانم فقط برای ایجاد یک ملکه و معلومات بسیار مختصر از مقدمات ازدواج تا نهایت عقد که برای خوانندگان ما مشکل زا نگردد ' از بحری قطره ی گیریم تا رفع عطش کند: ازین جا شروع میکنیم:

ماده (۶۰) قانون مدنی افغانستان حکم می کند:

ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را بوجود می آورد.

اصل فوق الذکر هدایت مشروعیت و جواز تشکیل فامیل می دهد. البته مواد و هدايات بعدی قانون مدنی که صرف احکام مربوط به ازدواج و چگونگی اجرائات آن را احتواء می کند درین جا کنجایش شرح و بسط ندارد. لهذا: ابتدا لازم می بینم از مقدمات ازدواج که در اصطلاح قانون و جامعه بنام نامزدی یاد میشود به این مختصر ادامه دهیم:

مرحله نامزدی در ازدواج :

قبل از اینکه به اصل مطلب در آیم باید آگاه شویم که به حکم ماده ۶۲ قانون مدنی نامزدی با زنی جواز دارد که در قید نکاح و عدت غیر نباشد.

مرحله نامزدی که اساسگذار و سرنوشت ساز برای عقد ازدواج و تشکیل خانواده است در دنیای مدرن و متحول فعلی به نام زمان درک و معرفت و یا همدیگر پذیری یاد میشود که میتواند سبب ایجاد اعتماد و تشخیص چگونگی زندگی و آینده مشترک و وسیله برای عقد ازدواج و تشکیل فامیل و خانواده گردد.

قانون مدنی و نظام حقوقی کشور ما با رعایت دقیق حقوق افراد در جهت تصمیم گیری و اقدام به عقد ازدواج در مرحله نامزدی برای جانبین عقد اختیار و صلاحیت آزاد می بخشد تا بعد از درک و شناخت همدیگر سر نوشت آینده خویش را خود رقم زنند و زندگی آینده را بطور دلخواه تعیین نمایند.

قانون مدنی فاصله دور شناخت و معرفت و تبارز قول و قرار دایر بر عقد ازدواج را بر روال سنت جامعه ما نامزدی و وعده به ازدواج می خواند و بالین صراحت و وسعت نظر به طرفین و اقدام کنندگان ازدواج اختیار و صلاحیت می دهد که: اگر فصل نامزدی بستری برای اعتماد و رضائیت گردد در عقد ازدواج ممانعتی وجود نداشته میشود آزادانه عقد کامل صورت گیرد.

ولی در صورتیکه جانبین با درک و برداشت از دوران نامزدی ازدواج و تشکیل فامیل را به خیر و صلاح خود ها ندانند می توانند از ان منصرف و آن را فسخ نمایند' انصراف درین مرحله شکل و صبغه اختیاری دارد تا وسیله جبر و اکراه در عقد و معاشرت زنا شوهری بوجود نیاید.

قانون مدنی در ماده ۶۴ - خویش صراحتی دارد به این شرح :

نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است' هر یک از طرفین می تواند از ان منصرف شود.

آنچه خواندیم' اشاراتی کوتاهی بود از اقدام به به یک زندگی مشترک بنام ازدواج قانونی یا تشکیل کانون خانواده از دید قانون.

زمانیکه دوره نامزدی با سعادت همراه گردد و رضائیت جانبین را به عقد ازدواج حاصل کند و جانبین آماده عقد شوند - چه اقدامی باید به عمل آید و کدام هدايات قانون بایست رعایت شود: عقد ازدواج در حال وجود رضائیت عاقدین شروط غیر قانونی را نمی پذیرد و با ایجاب و قبول صریح بدون قید وقت در مجلس واحد صورت میگیرد.

عقد ازدواج در محدوده این هدايات :

ماده ۶۶ قانون مدنی:

عقد ازدواج به ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت میگیرد.

عقد ازدواج زمانی نافذ و صحیح پنداشته میشود که هیچگونه ممانعت در راه ایجاد عقد وجود نداشته و شرایط مکمل هدایات احکام قانون در آن رعایت گردد.

برای صحت عقد و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

۱ : انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین یا اولیاء یا وکلای شان.

۲ : حضور دو نفر شاهد با اهلیت.

۳ : عدم موجودیت حرمت دائمی و یا مؤقت بین ناکح و منکوحه.

تعدد زوجات در بحث های روز گارفعلی در اکثر مجالس و محافل یکی از داغترین گفت وگوهای روی میز و سفره طعام گردیده و از هر دهان سخنی و از هر انسان کلامی شنیده میشود. که همه قابل سمع دقیق و تعمق عمیق است: منم در ردیف چنین هموطنانم در بعضی از مجالس و محافل اشتراک میکنم ولی نسبت عدم فهم کامل و دانش مسلط بدون حرف و سخن مسکوت و خاموشم و اکنون به اساس تقاضا و پرسشهای بعضی از دوستان فقط میخواهم احکام قانون مدنی را در محدوده توان مغز و فکر خود عرض کنم. امید از تقصیراتم چشم ببوشید و مرا رهنمائی کنید.

قابل دقت است که قانون در هدایت مجزاء از تذکرات داده شده تجویز میکند که اگر دختر رشیده (دارای اهلیت) و عاقله بدون موافقت ولی ازدواج نماید عقد آن نافذ و لازم است. دقت کنید:

ماده ۸۰ ق م

هرگاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج نماید عقد نکاح نافذ و لازم می باشد.

ادامه دارد لطفن منتظر بمانید.

سخی صمیم

سخی صمیم

با احکام قانون مدنی در ایجاد خانواده و عقد ازدواج

آشنا شوید

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود

قسمت دوم

چند سخن مقدم:

از خواهران برادران و دوستانی که میخواهند بخش دوم این مقاله را مرور فرمایند با حرمت تمام التماس دارم تا عرایض قبلی مرا درج قست اول که از دید شخصی من برای درک و فهم احکام قوانین ضروری پنداشته میشود در نظر داشته باشند.

عزیزانم! من سخت گرویده احسان و محبت شما هستم و بخود می بالم که این همه تشویق نوازش و محبت های شما را با خود دارم. بالخاصه خواست و تقاضای نور چشمی سانگه جان صدیقی شریفی که انگیزه تحریر این مطالب را به من بخشید و بدینمنوال تقاضای جناب محترم عبیدی صاحب ' وفا صاحب' ناهید جان علومی جناب محترم مجددی صاحب' شیما جان غفوری فاطمه جان نیک رسولی و تعداد دیگری از عزیزان که در صفحات فیسبوک انعکاس یافته و از من و

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا طور مشخص نامی برده بودند در بین زمینه مطمح نظر بود تا در نهایت تأثیرات این مطالبه ها بر آن شد که بزرگوار محترم واحد سادات ' و جناب محترم بصیردهزاد ستارگان حوزه حقوق ما در اروپا مرا مؤظف سازند تا به نوشتن مطالب لازم از احکام قوانین و بالخاصه قانون مدنی افغانستان اقدام نمایم من با حرمت گذاری به این تقاضا ها به اندازه تجویزفهم ناچیزم به این نبشته ها مبادرت ورزیدم و منشأ جرأت درین راستا داشته ها و تجارب بسیار محدود دوران کارقضائیم در بکارگیری قوانین از قضایای مدنی و کیفری (جزاء) بوده است که بر اساس مسئولیت اخلاقی و حکم وجدانم آن را تحریر و انشاء می نمایم زیرا تصور آن دارم که وجود چنین نبشته ها نسبت به نبودن آن بهتر خواهد بود تا شاید هم استفاده اندکی از آن صورت گیرد و لو بسیار کوچک و نا چیز مَلکه ای بیش نباشد. بر همین بنیاد من به عنوان خدمت گذار و دوست دار فرد هموطنان و خوانندگان خود نبشته هایم را با نیت پاکیزه آغاز کردم و وجدان خود را راحت نمودم - و امید وارم آنچه توانسته ام و یا میتوانم که بنویسم - طرف استفاده قرار گیرد و رضائیت دوستانم را کمائی کند - و اگر چنین نباشد از تقصیرات خود و زحمات مطالعه شما پوزش می طلبم عذرم را بپذیرید.

خواهش دوستانه ولی قابل توجه: با وجود آن همه التماس و پیشنهاد های من در بخش اول این نبشته باز هم بسا از خوانندگان بدون تأمل و توجه به مفاهیم عرایض من - چنان سوالهای را مطرح می سازند که اصلاً با موضوع تحت بحث ما ارتباط نمی گیرد و یا هم چنان مفهومی ارائه می دهند که نویسنده مجبور است از «الف و ب» صنف اول مدرسه آغاز کند تا معنی یک واژه را با وسعت مفاهیم حقوقی و قانونی آن تشریح و توضیح بدارد. همانطوریکه من در عرایض قبلی خویش پیشنهاد کرده ام بار دیگر عرض میکنم که بمنظور رسیدن به معنی و مفهوم حقیقی احکام قوانین و نظام حقوقی کشور: بایست در بدو مرحله درهای ورودی و راه و روش آشنائی به احکام قانون را باز نموده بعد از آن وارد متن و محتوای قانون و نظام حقوقی نافذ گردیم و به تعقیب آنرا طرف تحلیل و ارزیابی قرار دهیم ' از احساسات کار نگیریم و هرگونه گرایش را کنار گذاریم و نظام حقوقی و قانون را منحیث دارائی عامه حرمت گذاریم و اگر قانون و یا نظام حقوقی و یا بخشی از بدنه نظام حقوقی را ناقص میدانیم و یا کمبودی در آن احساس میکنیم و یا هم آن را بطور مطلق و کُل مردود می شماریم بایست الترننیتف آنرا به گونه معاوضه پیشکش و آن را به خورد و هضم مردم داده ویر نتیجه اش قضاوت کنیم و جو حاکم بر جامعه را دوراز سنجش ندانسته و امکان پیاده سازی ایده و نظر خود را با عملیه تطبیق آن از نظر به دور نیفکنیم. بهتر است در همه امور دانش مسلکی و تخصصی رادر نظر گیریم ویر جوانب و ابعاد موضوعات فهیم باشیم.

میخواستم خاطر نشان سازم که: محتوا و داشته های نظام حقوقی در جهان به شمول میهن ما بحرهای بیکرانیت که طی کردن آن بدون کشتی کار دشوار ' ولی با وسایل لازم و مجاز کار آسان و ساده است - بطور مثال:

در قانون مدنی ما از واژه های زیرین که در ظاهر بسیار آسان و معمولی معلوم میشود بمراتب استفاده میگردد ولی هرکدام این مصطلحات در ساحات قانون و حقوق یک کتاب تشریح و توضیح کار دارد که ما نمیتوانیم درین جا با یک نبشته چند سطره به توضیح و تشریح همه مسایل ابتدائی بپردازیم و به هدف نهائی خویش برسیم.

ببینید: قانون مدنی در یک بخش بسیار بسیار کوچک و محدود خود ازین اصطلاحات تخنیکی استفاده می برد:

صغارت' حضانت' وصایت' اهلیت' ولایت' وکالت' شهادت' قیمومت' وراثت...و غیره که در یک بخش کوچکی از قانون مدنی (محدوده حقوق فامیل) کاربرد زیاد داشته و استفاده میشود)

اجازه دهید بر صدق مقال مثالی کوچکی بیآورم:

در ارتباط به کلمه «می تواند» که یکی از مصطلحات قانونی و حقوقی بوده و در ظاهر ساده و معمولی معلوم میشود ولی از منظر قانون حاوی جهان مفاهیم و کاربرد های ضروری است که دقت تام میخواید - من قبلن مقاله ای در ارتباط به آن نوشته ام.

مؤجز اینکه برای پی بردن به مفهوم قانونی و حقوقی در صورت تسلط به روش استفاده از قانون و حقوق می توانیم به معانی و کاربرد آن آشنا شویم .

بلی با الهام از چنین مشکلات: من قبلن در ارتباط به شهادت که (نحوه عقد نکاح در یکی از بخشهای آن شامل است) وکالت' قیمومت زیر عنوان (شهکاری از شاخص انسانیت...) و دیگر موضوعاتی که احساس ضرورت می شد به قدر توان نوشته های دارم علاقه مندان می توانند آن را در برگه (موضوعات جالب حقوقی و قانونی) که از طریق صفحه فیسبوک و گوگل به دسترس است ملاحظه ویا نبشته هایم را در سایر سایت های مشهور انتر نییتی مطالعه فرمایند.

دوستان و عزیزانم: عذر مرا بپذیرید ! منظورم از گفته های فوق این نیست که دانستن قانون مدنی و یا قوانین دیگر ناممکن ویا غیرمجاز است' میخواهم عرض کنم که دانستن قوانین و ورود بر احکام آن برای همه لازمی و ضروریست ولی این پروسه سلسله شریاطی میخواید که من قبلن فقط بمنظور رهنمائی آن را ارقام داشته ام' «بیخبری از احکام

قانون عذر پنداشته نمیشود» پس واجب است اول از طرز و روش ورود و یادگیری احکام قانون باخبر آنگاه به متن قانون داخل و آن را طور دقیق بخوانیم و بعد از تسلط و احاطه کامل به معانی و مفاهیم آن اگر نقصان و یا کمبودی از نظر ما برجسته میگردد آن را به نقد گیریم.

گفتنی دیگر اینکه قوانین و قواعد کیفری نباید با نظام حقوقی کشور مغالطه گردد(قانون جزاء و قانون مدنی را با هم خلط نسازیم).

.....
اکنون میخواهم در تداوم قسمت اول بحث ما: فقط بعضی از احکام قانون مدنی و یا قوانین دیگر را که در تیر رس سوالهای مطروحه قرار دارد به اندازه توان مغز و فکر خود عرض کنم. امید از تقصیراتم چشم پبوشید و مرا راهنمایی کنید.
.....

مبادله زن با زن در عقد ازدواج

آیا در عقد ازدواج بدل مجاز است که زن در بدل زن قرار گیرد؟

مفهوم اصل فوق میتواند این باشد که ظاهر انسان به عنوان مال با یکدیگر تبادل میشوند و در این مبادله روایت عمل بر آن بوده است که انسان ها در جایگاه مهریه «مال» قرار گرفته و عقد نکاح اجرا شده است و چنین عملی در واقعیت تخلف از احکام قانون و موازات شرعی می باشد که به حکم صریح قانون سازگاری ندارد و عمل غیر قانونی محسوب میشود و در صورت وقوع چنین قضیه برای جبران و تصحیح یک عمل غیر بازگشت باز هم قانون مجاز می شمارد که برای هریک از زن های قربانی بایست مهر مثل تعیین شود.
هدایت قانون را ببینید:

ماده ۶۹ ق م:

در عقد ازدواج بدل 'زن' بدل زن دیگر قرار نگرفته و برای هر یک از زوجه ها مهر مثل لازم میگردد.

.....
کلمه زوجه' در ماده فوق الذکر می رساندکه ما در مقابل یک عمل انجام شده ازدواج قرار داشته و عقد غیر صحیح انجام شده است که مهریه ی قانونی و شرعی برای زوجه های مربوط عقد وجود ندارد چون زن نمیتواند به صفت مال در بدل مهر و یا عوض مهر قرار گیرد بدین لحاظ عقد - غیر صحیح بوده بر زوجه های که عقد آنها انجام شده است بایست مهر مثل یا مهریه همگون با قوم و تبار آن ها که مهر مثل نامیده میشود تقدیر و تعیین گردد.
(در ارتباط به مهریه در آینده و موقع لازم آن خواهم نوشت)

تعدد زوجات(ازدواج به بیش از یک زن)

قانون مدنی افغانستان ازدواج به بیش از یک زن را بعد از تحقق حالات خاص و شمرده شده تجویز میکند که عدم رعایت این شرایط تخلف از هدایات قانون محسوب و قربانی چنین قضایا در تقاضای تفریق بر مبنای ضرر اختیار کامل دارند.

لازم است برای آگاهی دقیق و فهم همگانی - احکام قانون مدنی را درین رابطه تذکر دهیم:
تحقق حالات آتی را ماده ۸۶ ق م در ارتباط به تعدد زوجات هدایت می دهد:

ماده ۸۶ ق م

ازدواج به بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند:

- ۱ - در حالتیکه خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.
- ۲ - در حالتیکه شخص کفایت مالی برای تأمین نفقه زوجات از قبیل غذا' لباس ' مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد.
- ۳ - در حالتیکه مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج ' موجود باشد.

.....

آنچه در بالا ملاحظه فرمودید امر و هدایت قانون بود - اما زمانیکه عمل انجام شده پیش آید و شخصی در تخلف و تقابل ازین هدایت و احکام قانون ازدواج نماید - زن در راستای عمل اجرا شده در صورت عدم رضائیت میتواند از محکمه مطالبه طلاق نماید.

ماده ۸۷ ق م

زنیکه شوهر وی بر خلاف حکم ماده (۸۶) این قانون ازدواج نموده باشد می تواند مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) این قانون بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.

.....
در ماده ۸۸ ق م اختیار و امتیاز قابل ملاحظه ی برای قشر اناث داده شده که ایشان میتوانند حین اجرای عقد ازدواج شرط گذارند که اگر شوهرش خلاف حکم ماده ۸۶ این قانون با زن دیگری ازدواج کند صلاحیت دادن طلاق به او انتقال داده شود توجه کنید:

ماده ۸۸ ق م

زن می تواند هنگام عقد ازدواج شرط گذارد که اگر زوج وی مخالف احکام مندرج ماده (۸۶) این قانون به زن دیگر ازدواج کند صلاحیت طلاق به او انتقال داده میشود. این شرط وقتی اعتبار دارد که در وثیقه نکاح درج شده باشد.

.....
قشر اناث جامعه ما از چنین تخلفات قانونی و امثالهم نیز نادیده و ناشنیده نیست، اعمال منفی و فرا قانونی بالای ایشان به گونه های مختلف که عمل و حدیث آن شنیده میشود کم نبوده و جامعه فعلی ما به طور گسترده ازین عذاب اجتماعی رنج می برد و اینگونه پدیده شوم قسمن در زمان عقد نکاح با خانم دومی صورت میگیرد که عامل آن با خدعه و فریب زن دومی را به عقد خویش در آورده و حین ازدواج متأهل بودن خود را کتمان می سازد. زمانیکه خانم دومی در چنین حالتی و در مقابل یک عمل انجام شده قرار گیرد آنگاه زمان از دست رفته و عمل خلاف قانون انجام شده است و درین حالت بایست زوجه دومی خود تکلیف خویشرا روشن سازد و خود تصمیم گیرد - اگر نامرده به این نکاح انجام شده رضائیت نداشته باشد می تواند از محکمه بر مبنای ضرر مطالبه طلاق نماید. توجه فرمائید.

ماده - ۸۹ ق م

شخصیکه در ازدواج به بیش از یک زن مطابق حکم مندرج ماده (۸۶) این قانون متأهل بودن خود را کتمان نماید و رضائیت و موافقه صریح زنی را که جدیداً به نکاح گرفته است در مورد بدست نیاورده باشد درین صورت زوجه جدید می تواند در صورت عدم رضائیت به دوام معاشرت با زوج مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.

ادامه دارد

سخی صمیم